

جادوي سياه (BlackMagic)

در مفهوم قرون وسطايي اش، جادوي سياه شكلي از جادو است كه با نيت شيطاني اجرا مي شود. البته گاهي هم با يك نگاه ديني، جادوي سياه - مستقل از نيت - به هر نوع جادويي اطلاق مي شود كه بدون مبدا الهي باشد. لويس اسپنس (Spence Lewis) در سال 1920 در كتاب «دانشنامه امور سري» (of Occultism An Encyclopaedia) - كه يكي از اولين و اصلي ترين دانشنامه هاي مربوط به امور خفيه است - مفهوم جادوي سياه را با توجه به برداشت قرون وسطايي اروپا از آن، به اين گونه توضيح مي دهد :

«انسان كژراه، وسيله پاسخگويي به وحشتناكترين خواسته ها و سياهترين تصورات اش را در جادوي سياه يافت. به منظور به دست آوردن قدرت نامحدود در برابر خدا، اهريمن و انسان؛ براي تجليل و بزرگنمايي خود؛ براي تقلب، نيرنگ و تقليد؛ براي ارضاي شهوات؛ براي ياري تعصبات و حسادت هاي ديني، براي پاسخگويي به دشمني هاي شخصي و عمومي، براي پيشبرد توطئه هاي سياسي، براي گسترش بيماري ها، فجايع و مرگ - اينها اهداف و مقاصد جادوي سياه و پيروان آن هستند.»

بايد توجه داشت كه جادوي سياه معمولاً با مرگ و تخریب يا تغيير اجباري فرد يا رفتار انسان ها - بدون خواست خودشان - همراه است و توسط جادوگران بد استفاده مي شود.

در ادیان امروزی سه نگاه نسبت به جادوي سياه وجود دارد.

1. در نگاه اول (هندوئيسم، بوديسم، يهود و اسلام) جادوي سياه مثل ديگر انواع جادو، امري شيطاني تصور شده است. در اين ادیان، تفاوتی بين جادوي خوب و بد وجود ندارد و اصولاً قدرت جادويي افراد معمولي، امري شيطاني تصور شده است.
2. نگاه دوم مربوط مي شود به تفاوت گذاري ماهوي جادوي سياه و جادوي سفيد. در اين نگاه، اين دو جادو حتي اگر به دنبال نتايج مشابه باشند هم به دو شيوه متفاوت انجام مي شوند. البته از آنجايي كه جادو اصولاً تجربه علمي تاريخي نيست، اين نگاه كه مدعي دو شيوه متفاوت اجراي آن است بيشتر از همه در ادبيات تخيلي - مانند هري پاتر - جلوه کرده است.
3. آخرين نگاه به جادو مربوط مي شود به نگاهی كه طی آن، جادوي سياه و سفيد يك شكل از جادو تلقی مي شوند و تنها هدف جادوگر است كه اين دو را از هم جدا مي كند. اهداف خوب منجر به جادوي سفيد مي شوند و اهداف شرورانه، منجر جادوي سياه.